

علم و عمل دانشگاهیان روشنفکری علمی



کیومرث اشتریان

پیش از این و در همین ستون باب بحثی را درباره روشنفکری جدید در ایران گشوده‌ایم و گفتیم که عمومی‌سازی علم در دو سطح قابل انجام است؛ یکی ساده‌سازی زبان علمی و ترویج علم در فضای عمومی، و دیگری انتقال علم به سطح سیاست‌های عمومی. چنین فعالیتی را که استادان دانشگاه و پژوهشگران انجام می‌دهند، روشنفکری جدید یا روشنفکری علمی نام نهادیم. امروز ابعاد بیشتری از این معنا را پی می‌گیریم.

گفته می‌شود بخش اعظم پیشرفت علم در قرن بیستم مرهون تلاش کارشناسان است و نه دانشمندان. آگاهی در گرو کاردانی و کارآگهی است. اگر این سخن درست باشد به معنی آن است که «کاربرد» سبب‌ساز توسعه علم است و در فرایند رفت و برگشتی میان علم و عمل، این علم است که تقیح می‌شود. این سخن در عین سادگی پیامدهای مهمی برای ما دانشگاهیان دارد و آن این است که به‌ناچار باید به کاربردی‌بودن علوم خود عنایت ویژه‌ای داشته باشیم نه‌تنها به‌خاطر آنکه به جامعه خدمتی کرده باشیم، بلکه به این دلیل که علم خود را توسعه دهیم و دستاوردهای علمی خود را اتقان ببخشیم. در معرفت‌شناسی پراکسیس، معرفت نه‌تنها از طریق تفکر، بلکه از طریق عمل، تجربه و تعامل انسان با جهان شکل می‌گیرد. به بیان دیگر علمی که به صحنه عمل درنیاید، از اتقان لازم هم برخوردار نیست. تا نگردي آشنای «عمل» از پرده اسرار «علم» رمزی نشنوی. نتیجه‌ای که در ارتباط با «روشنفکری علمی» در ایران می‌گیریم این است که روشنفکری علمی خود اِی‌بازاری برای توسعه علم است و نمی‌توان گفت که اگر استادان به فضای عمومی وارد شوند، از شان علمی خویش کاسته‌اند یا اینکه وظیفه علمی خود را وانهاده‌اند. بدین‌سان، روشنفکری علمی می‌تواند عیناً وظیفه‌ای آکادمیک تلقی شود و جریان روشنفکری علمی یک جریان توسعه علم نیز هست و در ذیل آنچه در ادبیات تخصصی «سیاست‌های علم-نوآوری-فناوری» خوانده می‌شود، قرار می‌گیرد.

بُعد دیگر روشنفکری علمی، «شکوفایی خویشتن» است. اگر انسان احساس کند که دانش او در طریق انس با مردمان است و در «قدرت سخن‌گفتن» در جامعه سهیم است، احساسی از جنس شکوفایی فکری خویشتن به او دست می‌دهد که سرشار از بهجت و امید است.

هر دمی فکری جو مهمان عزیز/ آید اندر سینه‌ات هر روز نیز فکر را ای جان به جای شخص دان/ زانک شخص از فکر دار قدر و جان

این نیاز امروز جامعه ماست که دانشمند، «عقل شکوفه‌وار» خود را تثار جِان جامعه کند. امید، مادر یوایی بشریت است. سخن همچو آبی است که ریشه‌های درخت جامعه را سیراب و شاخ و برگ آن را باطراوت می‌کند. سخن، اصل اصل اصل روابط اجتماعی و مظهر شکوفایی فکری خویشتن است. سخن، نوعی اعمال قدرت عمومی است. یک استاد، تنها با حضور در دولت و حکومت قدرت نمی‌یابد، بلکه از طریق انتشار سخن خویش در عرصه عمومی قدرت‌مند می‌شود. «کلمه» قدرت است و نیرویی که در واژه‌پردازی و سخن‌پراکنی نهفته است، شاید از قدرت رسمی نیز بالاتر باشد. به خاطر می‌آورم که در ابتدای دولت روحانی به دلیل دسترسی‌ای که به درون دولت داشتم، از یکی از استادان منتقد خواستم اگر پیام و سخنی دارم، درود می‌توانم به درون ساختار قدرت منتقل کنم. پاسخ آن استاد عزیز برایم آموزنده و تنبه‌آمیز بود. او پاسخ منفی و کم و بیش عتاب‌آلودی به من داد و گفت: «خیر، نیازی به این کار ندارم، من در رسانه‌ها بیان می‌کنم؛ تأثیرش بیشتر است». نکته همین است. آنگاه که پیامی را به درون سلسله مراتب اداری می‌فرستید، در مسیرهای گوناگون دیوان‌سالاری استحاله می‌شود و به ثمر نمی‌نشیند. اما آنگاه که از سر دانشمندی و شققت و البته به‌دور از خودنمایی‌ها و قهرمان‌بازی‌های مرسوم سخن خود را در عرصه عمومی مطرح می‌کنید، نتیجه نمریخش‌تری می‌دهد.

بنابراین علم و عمل یک دانشگاهی به هم آمیخته است و این جان روشنفکری علمی است. قرار نیست دانشجویان و روشنفکران همچون پیروان مانو به روستاها بروند تا با زندگی و کار در میان توده‌های زحمتکش، تجربیات عملی کسب کنند، بلکه منظور ما این است که در عمل و در تعامل با دیگر رشته‌ها این عمل‌گرایی را محقق کنند و دانش خود را به عرصه عمومی آورند.

📅 یکشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۴
📅 ۲۷ ذی‌القعدة ۱۴۴۶
📅 ۲۵ می ۲۰۲۵
📅 سال بیست‌ویکم
📅 شماره ۵۱۱۸
📅 ۳۰ هزار تومان
📅 ۱۲ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید: گفت‌وگو با علی‌ خدایی درباره جهان ادبی‌اش و کتاب جدیدش «سینگورینگ» • اسحاق جهانگیری:من خیلی نگران ایرانم • برندگان نوعی نگاه جشنواره کن معرفی شدند

زمزمه حذف ارز ترجیحی گوشت تنظیم بازاری در شرایطی شنیده می‌شود که بهای اقلام جایگزین مانند حبوبات هم جهش داشته است؛

حذف یارانه غذای فقراکلید خورد

گزارش تیتربیک را در صفحه ۴ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید عکس علی مهریاریا

یادداشت

رؤیا مرده است



مهدی شیرزاد

فعال سیاسی

است که به هوای آن آدمیان، به‌خصوص آدمیان معمولی و نه لزوما عرفا و علما، عمل صالح کنند و دین بورزند. خوبی‌پهشت این است که هرکس در هر زمان و مکانی می‌تواند تصویر خود را از آن بسازد؛ مؤمنی که در هر آن و دمی به معشوق و خدای خود سخن می‌گوید، بر مبنای نسبیتی که در رؤیایش با او برقرار کرده، گفتار و ذهن و ضمیر خود را سامان می‌دهد. اما غیر از رؤیاهای فردی، ما در جوامع دست‌کم در برهه‌هایی از تاریخ، شاهد رؤیاهای جمعی و نسلی نیز هستیم؛ رؤیایی که به اقتضای شرایط اجتماعی و تاریخی، نسلی را به حرکت وامی‌دارد و تحولی را در تاریخ ورق می‌زند.

در کشور ما، مشروطه و حاکمیت قانون، چه مشروطه قافیه شعر خودشان لنگ است و بعضاً با تعابیری همچون «چرا کس دیگری را بدبخت کنیم؟» یا «بچه بیاوریم که چه گلی به سر عالم بزند؟»، آرزوی فرزند داشتن را نیز مانند دیگر آرزوهایشان سرکوب می‌کنند. رؤیا، معنابخش زندگی است. بدون رؤیا، زندگی، روزمرگی است. کودکی، زندگی در رؤیاست، پی و پایه زندگی ما بر مبنای همین رؤیاهای کودکانه ساخته می‌شود. از نظر من، مهم‌ترین وظیفه پدر و مادر، میدان‌دادن به تخیل کودکانه و فراهم‌آوردن زمینه رؤیابویری در کودکان است. در نوجوانی آدمی واقعیت را می‌آموزد و در جوانی می‌کوشد در چارچوب واقعیت، رؤیاهای خود را دوباره تعریف کند. همه جوانی تلاش برای ساختن رؤیاست. در میانسالی عمارتی که ساخته، به بلوغ می‌نشیند و در کهنسالی یا به آنچه ساخته افتخار می‌کند و دیگران را تشویق به راهی می‌کند که آمده یا در حسرت شکست‌ها و ناکامی‌ها، عبرت‌های خود را برای دیگران بازمی‌گوید و بحرچوب واقعیت می‌دارد از راهی که آمده است. البته آدم‌های معمولی، اکثریتی هستند که از زندگی خود و مسیری که آمده‌اند، شاکر و راضی هستند. اما توصیه‌ای هم برای کسی ندارند. از بالا و پایین زندگی، با خودشان به نوعی صلح و آشتی رسیده‌اند که خود و شرایطشان را همان‌گونه که هست، بپذیرند. نه‌چندان مغرور و مشعوف از حال و روزشان هستند و نه‌چندان سرخورده و افسرده.

دین نیز منبع رؤیاست. این همه قصصی که در کتب مقدس آمده، جز برای رؤیابویری در آدمیان است؟ جز برای این است که آدمی نسبت خود را با قصه، با پیامبر، با اسوه حسنه معلوم کند و بر مبنای آن زندگی خود را بسازد؟ وعده بهشت و آنچه از آن در کتب مقدس تصویر می‌شود، تصویری از آینده‌ای

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

WWW.SHARGHDAILY.IR



WWW.SHARGHDAILY.IR

سه دهه بعد از اعمال نظارت استصوابی توسط شورای نگهبان، قانون سال‌های اخیر برای انتصاب مدیران در مشاغل حساس به طور مضاعف نظام حکمرانی ایران را درگیر اختلال کرده و می‌کند. این در حالی است که باید پرسید منافع و دستاوردهای مثبت نظارت استصوابی در سطح ملی چه بوده که اکنون قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» که تمام فرایندهای نظارت استصوابی را تشدید می‌کند بتواند به ثمرات مثبت ملی، افزایش کارآمدی نظام تدبیر کشور و افزایش رضایتمندی مردم منجر شود؟ سؤال جدی‌تری اینکه چرا دولت چهاردهم در برابر چنین قانون مخربی که لیستی بلند از بهانه‌های جدید برای حذف بسیاری از نیروهای کارآمد ایجاد می‌کند، منفعل و بدون تصمیم است؟ علی‌الخصوص اینکه شخصی رئیس‌جمهوری در دوران مبارزات انتخاباتی و حتی از سال‌های قبل از آن همواره بر تخصص محوری، داشتن حسن ظن به افراد و ضرورت بسط مشارکت عمومی تأکید داشته است. در همین روزهای اخیر شاهد بودیم که آقای علی سرزعیم، یکی از اقتصاددانان نسل جوان‌تر و البته خوشنام و متخصص کشور بدون آنکه هرگونه پرونده قضایی یا اخطار امنیتی خاصی داشته باشد برای مدیرعاملی بانک توسعه تعاون نتوانست استعلامات لازم را به دست بیاورد و کنار گذاشته شد. این اتفاق در ماه‌های سیری‌شده از عمر دولت مسعود پزشکیان برای افراد متخصص و کارشناسان زیادی رخ داده است.

از سال ۱۳۷۰ و با تفسیر خاص شورای نگهبان برای نسل ما رؤیا ساخت؛ رؤیای دموکراسی و حقوق بشر، رؤیای رسیدن به جامعه مدنی مدینه‌البنی، رؤیای جامعه‌ای که در آن چیزی، جای آزادی و خدا، جای حق و اختیار آدمی را تنگ نکند. بیانه‌ی‌گام دوم انقلاب نیز نوعی رؤیاسازی است؛ رؤیایی که برای جوان مؤمن انقلابی وین و شاعرانگی تمام ساخت. آیت‌الله خمینی باشد برای مدیرعاملی بانک توسعه تعاون نتوانست استعلامات لازم را به دست بیاورد و کنار گذاشته شد. این اتفاق در ماه‌های سیری‌شده از عمر دولت مسعود پزشکیان برای افراد متخصص و کارشناسان زیادی رخ داده است.



سیدعلی مجتهدزاده

وکیل پایه‌یک دادگستری

پدیده نظارت استصوابی با رویکردی خاص باعث حذف چهره‌های متفاوتی شد. در همین سال‌های اخیر رد صلاحیت افراد برجسته‌ای چون آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، علی لاریجانی، حسین روحانی یا سیدحسن خمینی را شاهد بودیم. بدون آنکه دلایل این رد صلاحیت‌ها به‌وضوح توضیح داده شود. یا در موارد بسیاری شاهد بودیم افرادی یک دوره در انتخابات تأییدصلاحیت شده، دوره بعد رد صلاحیت و دوره بعد از آن دوباره تأیید صلاحیت شده‌اند. از همه اینها نمادین‌تر وضعیت رئیس‌جمهوری فعلی است که حدود شش ماه قبل از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، توسط شورای نگهبان برای مجلس هم رد صلاحیت شده بود. نکته همه این موارد این است که هیچ شفافیتی در این فرایند وجود ندارد. نتیجه عملی نظارت استصوابی در جلوگیری از گردش واقعی نخبگان و امکان انتخاب آزادانه مردم را هم می‌شود در افول واضح سطح کیفی نهادهای انتخابی مانند مجلس دید و هم در اقبال مردم به صندوق رای که هم‌اکنون با اعدادی غیرقابل کتمان در این خصوص مواجه هستیم. هم‌اکنون در مجلس ما نمایندگی‌کردن مردم با پنج یا شش درصد رای واجدان شرایط یک حوزه انتخابیه تبدیل به امری طبیعی شده و به طور مسلم معنای این وضعیت، وجود خطر برای مقبولیت عمومی و همین‌طور کارآمدی نهاد مجلس است. در دولت، شورای شهر و دیگر نهادهای مرتبط با امر انتخابات نیز وضعیت خیلی بهتر از این نیست.

حسن کامشاد، مترجم و پژوهشگر ادبی درگذشت

رسته از فراموشی



برگزیده‌ها

زنگ خطر قراردادهای نجومی بازنیکان و بن‌بست اقتصادی باشگاه‌ها به صدا درآمد

بمب‌های انتحاری مدیران

گروهی از خسارت‌دیدگان انفجار بندر شهیدرجایی در گفت‌وگو با «شرق» از سرگردانی‌هایشان می‌گویند:

کاش جانمان می‌رفت نه مال‌مان

دیپلماسی در برابر بن‌بست

آیا کوچک‌سازی شورای امنیت ملی به قیمت اقتدار آمریکا تمام می‌شود؟

خانه‌تکانی در قلب سیاست خارجی

تحلیل ۷ محور از ناکامی بزرگ‌ترین طرح تولید انبوه مسکن در ایرانِ معاصر

از خیال‌پردازی تا واقعیت‌های زیرساختی

یادداشت

از حسابرسی شرکت‌ها تا حسابرسی دولت‌ها



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

همه‌ساله در مجامع عمومی شرکت‌ها، مدیران گزارشی از عملکرد خود به سهامداران می‌دهند. این گزارش باید توسط تیم حسابرس راستی‌آزمایی شود؛ زیرا ممکن است برخی سهامداران تخصص لازم را برای ارزیابی گزارش نداشته باشند. همیشه این نگرانی وجود دارد که مدیران با ارائه گزارش غیرواقعی، سهامداران را فریبند یا موفقیت مدیران گذشته و آینده را به نام خود تمام کرده و سهامداران را در شناخت یک دوره محقق‌شده هر سال به حساب مدیران آن دوره است. همین مسئله در بررسی عملکرد دولت‌ها هم مطرح می‌شود. هر دولتی در طول یک دوره چهارساله مسئولیت اداره کشور را بر عهده می‌گیرد و طبعاً ارزیابی دقیق عملکرد دولت و ثبت عملکرد هر دولت به نام خود او و نه دولت‌های قبل و بعد، یک ضرورت است...

برادر گرمای جناب آقای سید محمود حسینی

درگذشت خواهر بزرگوارتان را به جنابعالی و خانواده معزز تسلیت گفته، از خدای بزرگ برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگانش صبر و سلامتی مسألت داریم.

احمد خرم، سیدمرتضی مبلغ، عباس نصر، سید مظفر شجاعی مصطفی ایزدی، محمد عطر یانفر، مهدی رحمانیان سید حسن رسولی، محمدمهدی صمدی، اشرف پروچردی محمود دردکشان، سیاوش قهوه چیان، جعفر رحمان زاده محمدنقی شریعتی، محمد زائری امیرانی، نوید صلواتی حسن جعفری، جعفر ربانی، ناصر زرگر، کمیل صرامی حسین روحانی صدر، محمد سعیدنژاد، علیرضا نیلوفرش زاده احمدعلی فردوسی، مصطفی نصر، سیدابوالفضل رضوی مرتضی تهرانی، سید رسول حسینیان، سعید صدوقی، عباس رضایی علیرضا فیروز، محمدهاشم مهبینی و مسعود ذهبیون